

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام و عرض ادب و ارادت محضر استاد عزیز! چهارشنبه در جلسه «ما و برکات یگانگی و خطر تقابل بزرگ»، نکاتی جاری شد که وقت بیان در محضرتان نبود، اندکی می‌نگارم تا او چه بخواهد و چه پیش آید. شما از سبک شدن گفتید، بارها در جاهای مختلف به اینکه ما باید یک سبک شویم اشاره کرده‌اید، مدتها برایم ابهام داشت که چه سبکی؟ و ما انسانیم در عین تفکر و اندیشه محتاج مصداق. اکنون که در این نقطه‌ی خاص تاریخ ایستاده‌ایم، مدتی است فکر میکنم شاید بهتر است بگوییم ما فرزندان و نسل آقای شهید ایران چاره‌ای جز این نداریم که متفکرانه و متدبرانه چشم باز کنیم و دست به زانو زده و سبک «امام خامنه‌ای شهید» را سرلوحه‌ی خویش قرار دهیم. آری الحمدلله عشق به او پیشران ماست، اما سختی این راه این است که باید او شویم، پس با فکر، بصیرانه نگاه کنیم و حرکت و عمل کنیم. سبک آقای شهید ایران در تمام مراتب و حوادث عظیم انقلاب اسلامی وجود دارد: آری حدود ۳۶ سال سبک او در لباس زعامت و رهبری پیشروی ماست و حدود ۱۰ سال در لباس مسئول و مجاهد پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بیش از ۱۰ سال در لباس مبارز و مجاهد قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حقا تابلویی بی‌نظیر و دقیقی برای انسان انقلابی و آزاده ترسیم کرده است که ابهامی ندارد، هرچند درک آن، محتاج انس با قرآن و شناخت انسان و شناخت تفکر امام خمینی به عنوان مبادی فکری ایشان است تا عقلانیت و زمانه‌شناسی و حضور به موقع و خروج به هنگام داشته باشیم وگرنه با کج‌فهمی و بی‌هنری خویش می‌توانیم آن را هم چون تاریخ عظیم شیعه گشتل کرده و به حاشیه رانده یا به حجاب فهم نابخردانه خویش بکشانیم، البته این هم محرومیت شخصی است وگرنه سبک او مانا است و اهلش با او پرواز خواهند کرد. آری سبک او، سبکی است شفاف و روشن که البته بسیار حکیمانه و آینده‌نگارانه است و از شدت شفافیت و روشنایی ممکن است خطر ساده‌نگری آن را به حجاب برد و چون بسیار حکیمانه است ممکن است ترس ما که او نیستیم و ما نمی‌توانیم ما را از آن بی‌بهره کند. امری بسیار لطیف و باز هم صراطی است که باید با توسل به خودشان و توکل به حق به آن چنگ زد. کلام را طولانی نکنم، نهایت و غایت سبک آقای شهید ما در وسعت بسیار زیادی پیش چشم ماست، همو که می‌فرماید روی کفتم فتوایم در اتحاد بین شیعه و سنی را بنویسید تا نهایت سعه وجودی مورد نیاز جهان اسلام را در مسیر رشد مورد نیاز انسان مسلمان متذکر شود و این ذکر دیگر فقط یک فتوای ساده نیست، یک فتوایی است که خونشان بهای درک و فهم آن است. پس برای عبور از ظلمات آخرالزمانی و ایستادن در جبهه‌ی نهایی مبارزه‌ی انسان با مستکبرین جهان وحدت حیاتی است، با تمام اختلاف نظرها. اما شاخص بودن سبک آقای شهید ما

این است که در عین این فتوا، پای اصول و مبانی شیعه مستقر است و هر سال دهه‌ی فاطمیه روضه‌ی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را برپا می‌کند و می‌فرماید رزق و روزی سال مردم را آنجا می‌گیرم. این یعنی جامعیت حضور ایشان. اگر این گفته نشود فرزندان بر حق او عمق کلام‌تان را شاید متوجه نشوند و فقط کنند دارند دعوت به رها کردن می‌شوند، در حالی که منظور حضور تاریخی در سایه وحدت اسلامی و حتی انسانی است برای فتح الفتوح نهایی این تاریخ. درکم این است، زاویه‌ی دید بسیار باز و گسترده‌ی آقای شهید ما که در اوج درک اسلام و انسان و انسان این تاریخ است، به سوی افق حقیقی اسلام حرکت می‌کند. و امروز ولی‌زمان ما و نایب برحق امام زمان عج، فرزند صالح ایشان که وجودشان و کلامشان سند حقانیت انقلاب اسلامی و حقیقت ولایت فقیه است در پیام خویش تابلوی عظیمی از این وسعت را به نمایش گذاشت، آری! او به همه‌ی عالم نشان داد ولی فقیه و رهبری در انقلاب اسلامی یعنی تجلی و سردمداری جمهوریت، و علی‌الاصول او یعنی قطعا من ولی فقیه امت اسلامی که باطن ساری و جاری امت اسلام را صیانت، زعامت و رهبری می‌کنم بر اصول حقیقی اسلام که مبارزه با استکبار است ایستاده‌ام و حتی اذن و اجازه‌ای که دادم برای تفاهم‌نامه و مذاکره با ایستادن در موضع اصول است و عَلم مولا را برداشتم برای رفع موانع در مسیر راه رسیدن به قله، برای شدن تک تک انسانهای هم عصرم، از توی مردم انقلابی کف خیابان که باید سعه وجودی داشته باشی و علمدار وحدت باشی تا آن انسانهای منتظر منجی عالم ولی در سیطره‌ی رسانه و مکر استکبار، همه و همه. آری او که بر اصول ایستاده، اجازه حرکت در جهت مذاکره را داده، او که منتقم است، متوجه سبک‌های مختلف انتقام است... چون وسعت و جامعیت مسائل بسیار است و محدود نیست. قضیه به اصطلاح صراطی است یعنی بر لب تبغ به سوی حق حرکت کردن، ساده نیست، راحت نیست، عمیق است و بصیرتی تاریخی را محتاج است که البته حضرت آقا سیدمجتبی خامنه‌ای متوجه است که باید با همین مردم این مسیر طی شود و به این دلیل با مردم در میان می‌گذارند، او با تمام وجود ایستاده تا مردم را به سمت ریل قطار تمدن نوین اسلامی که آقای شهید ما زیر ساختهایش را فراهم کرده، سوق دهد. سبک نرم افزاری شیعه و آزادمردان تاریخ، بودن است نه صرفا گفتن، و یا بهتر است بگویم «بودنی است در عین گفتن» ولی تحمیل در آن نیست ولی تبیین هست، ایجاد میدان تفهیم هست. یعنی زبانش بر آمده از جانش است که جانش همان سبک بودنش را به تجلی می‌کشد البته در موقعیت‌ها این موضوع به صحنه‌ی نمایش می‌آید. نظرتان را مشتاقانه با جان پذیرا هستم آنچه نوشتم قطعا پر از نقص است. یک تعبیر شاعرانه هم در جلسه به جانم نشست، برایتان می‌نویسم، امیدوارم در توصیف عاجز نباشم. وقتی از وحدت می‌گفتید و از اینکه در نقص دیگری متوقف نشویم. و فرمودند شاید حتی خیرخواهی خالصانه در درک دیگری این است که باید پوشاننده نقایص باشیم. گلبرگهای گل در نظرم آمد، هر گلبرگی زیباست و لطیف اما در نقطه اتصال که گل کامل متولد می‌شود، یک حالتی دارد که خود را به کاسبرگ می‌سپارد تا آن حالت را بیپوشاند، ظاهر آن جمع شدن در پس زبری حتی هست ولی زیباست و گل متولد می‌شود در آن اجتماع لطیف و زیبا.... سرتان

را درد آوردم و وقت چون دُرَتان را گرفتم، امیدوارم آنچه به قلم آمد، راهی بر خودم و انسان منتظر تاریخ بگشاید و اطاله کلام و زمان نباشد. این روزها، دردم دغدغهی امامی است که در غیبت پس غیبت است و درک شدنشان حتی توسط طرفدارانشان بسا بسیار سخت‌تر از درک شدن امام و پدر شهیدشان است. ما خسران زندگان تاریخ هستیم و امام شهیدی از بین ما رفته که ابرمردی بی‌مانند بود و هر چه بگوییم کم است برای وصف این خسران عظیم... دل به هیچ تسلی نمی‌یابد جز بیانات خودشان و پیام‌های امام جوان‌مان. دعا کنید اگر عمری هست در راه او باشد ولاغیر. حلال بفرمایید و التماس دعای خیر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که ملاحظه فرمودید آقای شهید ایران حتی شیعه را برای جهانیان معنا کرده‌اند تا گمان نشود شیعه یک فرقه‌ای می‌باشد مقابل دیگران، بلکه رسالتی است تا به همگان عظمت انسانی آنان گوشزد شود و همان‌طور که فرمودید این رسالت، حقیقتاً هویت صراطی دارد یعنی از مو باریک‌تر و از شمشیر تیزتر است و با نظر به شخصیت امروزین آقای شهید ایران و رهبر معظم انقلاب می‌توان این راه را طی کرد مشروط بر آن‌که بدانیم همچون «مو» باریک و ظریف است و تأمل زیاد نیاز دارد، و همچون شمشیر تیز است و نمی‌توان روی آن متوقف شد. نکته، نکته دقیقی است که سبک نرم‌افزاری شیعه چگونه باید باشد که انسان با بودن و شخصیت خاصی که در مواجهه با افراد به میان می‌آورد، هرکس با هر موقعیتی که دارد خود را در آن فرد جستجو کند و به خود آید که چه کسی می‌تواند باشد بدون جدال و بدون تحمیل نظر. در شهادت آن مرد الهی، تولد دیگری برای هر آن کس که با انسانیت خود، خود را درک می‌کرد پیش می‌آید. به عنوان نمونه <https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۳۳۳۴> همان‌طور که عرض شد: این عزیزان به دنبال چه نوع حضور و چه نوع انسانیتی بودند که تا این اندازه سرگردان شدند و حال، خود را در آقای شهید ایران یافتند؟ که در واقع تولّد دیگری می‌باشد. در این مورد رفقا زحمت کشیده‌اند و در کانال «رهبر شهید و آینه انسانیت» https://eitaa.com/aieneh_ensaniyat بعضی از این موارد را جمع‌آوری کردند. آری! «رهبر شهید و آینه انسانیت». موفق باشید